

زمینه های تربیتی اقتصاد مقاومتی با محوریت مبانی فلسفی علم النفس امام خمینی (ره)

مهدی ایمانی مقدم^۱

چکیده

شناخت انسان و لایه های باطنی وجودی او چه نقشی در شناخت اولویت ها و اهداف و روش های تحقق اقتصاد مقاومتی دارد؟ مفروض این است که تحقق بسیاری از سیاست های کلی نظام درباره اقتصاد مقاومتی - ابلاغی مقام معظم رهبری - مستقیم یا غیر مستقیم به شناخت ابعاد وجودی انسان (بعنوان اصلی ترین عامل در تمام مراحل هرفرآیند اقتصادی) وابسته است؛ سیاست هایی چون: فعال سازی سرمایه های انسانی (سیاست یکم)، توانمند سازی نیروی کار جهت رشد بهره وری (سیاست سوم)، افزایش سهم سرمایه انسانی در چرخه تولید (سیاست پنجم) اصلاح الگوی مصرف (سیاست هشتم) صرفه جویی در هزینه های عمومی (سیاست شانزدهم) جلوگیری از فساد در حوزه های اقتصادی (سیاست نوزدهم) تقویت فرهنگ جهادی در فعالیت های اقتصادی (سیاست بیستم) ... بنابراین برنامه ریزی و تلاش در جهت شکوفایی استعداد های متعالی انسانی و تعدیل و تنظیم قوای درونی در مردم و مدیران، مهمترین شرط تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی است. امام خمینی (س) شاخص ترین چهره منادی اقتصاد اسلامی جهادی (= اقتصاد مقاومتی) در عصر حاضر، متأثر از علم النفس ملاصدرا که حکمت و انسان کامل را جامع وحی و کشف و عقل می داند، با تعریفی جامع از هویت انسانی، مبتنی بر اصالت روح و با راهنمایی در جهت مدیریت و تعدیل قوای نفس، سیمای انسان مطلوب برای تحقق اقتصاد مقاومتی را ترسیم می نماید.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، امام خمینی، ملاصدرا، علم النفس، اخلاق اقتصادی، انسان شناسی، قوای نفس، نفس طبیعی، نفس متعالی.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه اراک.

طرح مسأله

هرچند امام خمینی بر روش صدرایی مکتب فلسفی خویش تصریح ننموده اما با توجه به پذیرش بسیاری از اصول فلسفه متعالیه از جمله اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیت و امکان فقری ما سوی الله و مراتب تشکیکی نفس و قوای آن (ضیایی/۱۳۸۱/ص ۱۲۰-۱۲۴ و شفیع مازندرانی/۱۳۷۶/ص ۴۴-۴۷) و نیز سال‌ها تحصیل و تدریس کتاب الاسفار الاربعه ملا صدرا، بایستی ایشان را از بزرگ‌ترین احیاگران حکمت صدرایی در عصر حاضر دانست. (ضیایی/۱۳۸۱/ص ۱۴-۱۷ و ۵) وی ملا صدرا را «از بزرگ‌ترین فلاسفه الهی و مؤسس قواعد الاهیه» و «جامع شریعت مطهره و حکمت الاهیه» دانسته (امام خمینی(ره)/ بی تا/ص ۳۶) به تبع وی و شیخ اشراق، انسان را «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء»

میداند. (امام خمینی(ره)/۱۳۶۹/ص ۳۹، ۳۶، ۱۵، ۶۵، ۷۰ و ملا صدرا/۱۳۸۲/ص ۲۰۹ و ملا صدرا/۱۹۸۱/ج ۳، ص ۳۳۰ و قطب الدین شیرازی/۱۳۱۴/ص ۴۴۵) بر این مبانی نفس انسانی، مانند «وجود»، مشکک و دارای وجود عنصری و جسم معدنی است و در عین حال صیرورتی نباتی و حیات حیوانی داشته که بین جسم و جاننش ترکیب اتحادی برقرار است. (ملا صدرا/۱۹۸۱/ج ۹، ص ۱۰۵-۱۰۷) به بیان دیگر، حیوانی است که در دنیای جنینی، حیاتی نباتی داشته و قوای غاذیه و ماسکه، جاذبه، دافعه و تولید بی اراده سلولی او فعلیت یافته اند و در کودکی قوای خیالی و اندکی بعد با درک محبت و نفرت به اسباب لذت و ألم، قوه واهمه او فعال می‌گردد (حیات حیوانی). امام خمینی و ابن سینا عموم انسان‌ها را در فعلیت بخشی به این حد از قوا با یکدیگر مشترک می‌دانند و معتقدند که بسیاری از ایشان تا پایان عمر از حیات حیوانی فراتر نرفته و قوا و لوازم هویت انسانی خویش را به فعلیت نمی‌رسانند (امام خمینی/۱۳۷۸/ج ۸/ص ۶۱۶۵ و ابن سینا/۱۳۱۶/ص ۸۱). این نکته وجه تمایز انسان شناسی اقتصاد اسلامی-جهادی (مقاومتی) از انسان شناسی اقتصاد ماتریالیستی در قالب کاپیتالیسم ویا سوسیالیسم در اندیشه امام خمینی است. انسان شناسی مادی مبتنی بر اصالت جسم و سود و لذت مادی اوست. انسانی که همه هم و تدبیر خود را صرفاً برای ارضای امیال غریزی خود (یا با تشخیصی فردی و یا جمعی) بکار می‌گیرد. (بی نام/۱۳۸۷/ص ۵-۳) نسخه اقتصادی مناسب برای انسانی که افقی فراتر از دنیا و لذات مادی و ارضاء امیال و شهوات برای خود ترسیم نکرده، صرفاً تلاش برای ارضای هر چه بیشتر امیال قوای حیوانی بر ملاک و مبنای لذت مادی بیشتر و کاهش آلام جسمانی کمتر است. اما اگر انسان شایسته بندگی خدا را موضوع مطالعات انسان شناختی اقتصادی بدانیم آنگاه علاوه بر وجود جسمانی اش و لوازم ذاتی و غریزی اش، در تجویزها و توصیه‌های اقتصادی، تکامل و تغییر نفس حیوانی به انسانی و تامین اسباب سعادت ابدی و پایدار او را نیز لحاظ خواهیم کرد. بنابراین دو مبنای مطالعه درباره انسان متصور است،

مطالعه «طبیعی یا متدانیه» و مطالعه «فراطبیعی یا متعالیه». انسان شایسته برای تحقق آرمان‌های والای اقتصاد مقاومتی، انسانی است متعالی که با مدیریت نفس طبیعی و قوای حیوانی و غریزی آن، سعی در به خدمت‌گیری این نفس و تعدیل قوای آن توسط عقل دارد و این حاکمیت عقل، شرط فعلیت انسانیت انسان است. «انسان متعالی» حاصل نگرشی دینی-فلسفی فراطبیعی به مسائل حیات فردی و جمعی و حوزه فعالیت‌های ارادی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی انسان است. انسانی که محصول و در عین حال عامل حاکمیت فضایل انسانی و شایسته سالاری در پرتو مشارکت عمومی انسانها در انجام افعال خیر در جامعه‌ای توحید محور و فضیلت مدار است. ملاصدرا بر پایه مباحث نفس‌شناسی، توانسته است مبانی فلسفی فراطبیعی و حیوانی حیات جمعی معقول برای انسان را با نظر به ساحت‌های گوناگون نفس ارائه نماید. (ملاصدرا، شواهد الربوبیه، ص ۳۹۵ به بعد) تحقق انجم حاصل از چنین نفوسی، شرط اولیه برای تحقق اقتصاد مقاومتی است. مقاله حاضر در تلاش است رابطه علم النفس با علم اقتصاد را تبیین و با نقد روش‌های معمول در مطالعات اقتصادی، نقش ایمان دینی و آخرت‌باوری را در تحقق اقتصاد شکوفای اسلامی روشن نماید. ضمناً در تبعی که انجام شد، تحقیق مستقلی که به تبیین ثمرات اقتصادی علم النفس صدرایی در اندیشه امام خمینی پرداخته باشد، یافت نشد.

مفاهیم پژوهش

اقتصاد مقاومتی

ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق م) و گزنفون (۳۵۴-۴۳۰ ق م) اقتصاد (Economy) را در معنای تدبیر منزل به کار برده‌اند (زندگی حقیقی/۱۳۶۹/ص ۴) و در لغت عرب «اقتصاد» به معنای اعتدال و میانه روی به کار رفته است (زبیدی/۱۴۱۴/ق ۵/ص ۱۹۰) و قرآن کریم آن را به معنای «خدمت‌یانه و اعتدال در امور» نیز (فاطر-۳۲، لقمان-۱۹) آورده است. در روایات وقتی این واژه در امور مادی و معیشتی استفاده شده، به معنای پرهیز هم از اسراف و زیاده روی و هم از اقتار و خساست است، از جمله مؤیدات این نکته، این روایت نبوی (ص) است: «یا کم و السرف فی المال و النفقه و علیکم بالاقتصاد فما افتقر قوم قط اقتصدوا»؛ بپرهیزید از زیاده روی و خرجتان و بر شما باد میانه روی، پس قومی که مقتصد و میانه رو بود به فقر دچار نشد (العروسی الحویزی/۱۳۸۴/ج ۴، ص ۳۴۱).

«اقتصاد مقاومتی»، به معنای اقتصاد ریاضتی نیست «الهی اعوذ بک ... من معیشه فی الشده» (صحیفه سجادیه/ص ۵۶) خدایا به تو پناه می‌برم از زندگی در تنگنا؛ بلکه نوعی جهاد در راه خدا و تلاش برای تحقق اقتصاد اسلامی است. نیز اقتصاد مقاومتی را نبایستی در حد روشی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی خارجی و با کمترین وابستگی به خارج در رفع نیازهای اساسی و راهبردی، تقلیل داد چرا که براین اساس، اقتصاد مقاومتی، صرفاً نوعی تاکتیک و تدبیر

مدیران حکومتی برای شرایطی خاص و حسب ضرورت‌های محیطی خواهد بود که در هر جامعه‌ای قابل اجرا است و تحقق آن ربطی به باور و ایمان افراد آن جامعه و حاکمان و مدیران اقتصادی آن ندارد؛ هرچند به ناچار در هر جامعه و فرهنگی برای تحقق برخی از مؤلفه‌های آن از توصیه‌های باطنی و فرهنگی و یا دینی، بایستی بهره برد. البته شاید در برداشتی بریده و ظاهری از فرمایش مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی، در وهله اول همین تعریف به ذهن متبادر شود. ایشان می‌فرمایند: «اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد... یعنی آن اقتصادی که به یک ملت این امکان را می‌دهد حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی داشته باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان ۱۶/۶/۱۳۸۹) اما با توجه به مبانی اندیشه فقهی ایشان، می‌توان گفت که مطلب فوق یکی از ثمرات اقتصاد مقاومتی است، چرا که اقتصاد مقاومتی، یک مکتب اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های توحیدی و قبول مبدء و معاد در هستی‌شناسی و باور به حقانیت و نجات بخشی معارف وحیانی در معرفت‌شناسی و اذعان به مقام خلافت الهی و جامع معنا و ماده بودن وجود انسان در انسان‌شناسی است و بر این اساس تلاش برای تحقق چنین معارفی بالاترین نوع جهاد محسوب می‌شود. بر همین اساس ملاصدرا با استناد به حدیث نبوی (ص)، هر نوع تلاش اقتصادی برای توسعه در رزق و روزی اهل و عیال (البته منوط به حسن فاعلی و نیت عبادت انجام دهنده آن) را «جهاد» و «توکل» می‌داند: «المتوکلون فی مباشرة المکاسب و ملبسة الاسباب علی مقامات... ان یرخرج و یکسب اکتسابا علی وجه صحیح عند الشرع و العقل، و هذا السعی لا یرخرجه عن مقامات التوکل اذا لم یکن طمأنینته الی کفایته و قوته او جاهه او بضاعته... و قد قال صلی الله علیه و آله: الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله» (ملاصدرا/۱۳۸۳/ج ۱/۴۳۳)؛ توکل کنندگان که به کسب و کار و امور زندگی مشغول‌اند، دارای مراتب متفاوتی هستند... مرتبه‌ای از ایشان آن است که شخص از خانه بیرون رود و به کسب و کار پردازد اما کسب و کاری مشروع و معقول و این تلاش، او را از مقام توکل به خدا خارج نمی‌سازد تا مادامی که زیاده‌خواهی نکند و به اندازه نیاز و قوت و شأن و توانش تلاش نماید... و پیامبر اسلام (ص) فرمودند: آن که برای خانواده‌اش تلاش می‌نماید مانند مجاهد در راه خداست.

و نیز ایشان (ص) می‌فرمایند: «جاهدوا تغمّوا» جهاد کنید تا بهرمنند گردید. (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶) بنابراین اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد اسلامی و از مصایق جهاد فی سبیل الله است

علم النفس

« علم النفس » در منظومه فلسفی ملا صدرا علمی است که نفس انسانی را مضاهی و متناظر با عالم هستی دانسته، به تحلیل و شناخت حیثیت های باطنی نفس که بطور کلی در دو حیثیت بالفعل (قوه فعاله) و بالقوه (قوه قابلی) خلاصه می شود، می پردازد. (ملا صدرا/۱۹۸۱/ج ۲، ص ۹۸ و ج ۳، ص ۴۶۱) قوه فعاله با احاطه وجودی به قوای حسی و وهمی و خیالی و عقلی به تدبیر بعد نباتی و حیوانی وجود انسانی می پردازد. (ملا صدرا/۱۹۸۱/ج ۳، ص ۳۲۶ و ج ۹، ص ۱۴۳) و قوه فاعل نفس دریافت کننده کمالات از عوالم علوی است. هر چه درک حقایق علوی بیشتر و کاملتر باشد، تدبیر و برنامه ریزی توسط حیثیت فاعلی برای مراتب مادون بهتر است. بنابراین حکمت نظری که مدرک قوه قابلی و پایه حیثیت فاعلی است، بنابراین حاصل علم النفس تعالی از راه تخلیق به اوصاف الهی است (الاسفار، ج ۹، ص ۷۲). نتیجه این مطالعات بنیادین درباره انسان و جهان و مبداء و معاد آن دو، مبنای نظریه پردازی های مربوط به «فلسفه اقتصاد اسلامی» قرار می گیرد. (کرمی، دیرباز/ ۱۳۸۴/ص ۵ و ۱۵ و ۳۲ و ۶۱ و ۷۳ و ۲۲۶)

ارتباط اقتصاد مقاومتی با انسان شناسی

انسان و رفتار و امیال او محور تعمق اقتصادی اندیشمندان در طول تاریخ بوده است. ارسطو علم اقتصاد و یا به تعبیر خودش، علم تدبیر منزل (Economie) را شاخه ای از حکمت عملی (اخلاق) می داند که صلاح و فساد و خیر و شر و سود زیان رفتار «انسانی» در تدبیر معیشت و خانواده را تبیین می نماید. نیز آلفرد مارشال (۱۹۲۴-۱۸۴۲) اقتصاد را به «علم مطالعه انسان در کسب و کار های روزمره اش» تعریف می نماید، وی با تقسیم اقتصاد به اثباتی و دستوری، در تبیین کارکرد اقتصاد دستوری، اقتصاد را ابزاری برای خدمت به انسان در جهت کسب رفاه دانسته که با تحقق عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه بر اساس اخلاق دینی حاصل می آید (محتشم دولت شاهی/۱۳۷۸/ص ۲۰). و نیز لایونل رابینز (۱۹۸۴-۱۸۹۸) ضمن تعریف اقتصاد به «دانش مطالعه رفتار/انسان به عنوان رابطه ای میان اهداف و منابع کمیاب قابل استفاده به روش های مختلف»، کمیابی را شامل امور غیر مادی زندگی انسانی و از جمله روابط خانوادگی دانسته است (کرمی، دیرباز/۱۳۸۴/ص ۱۶ و نیز آمارتیا سن (۱۹۳۳-) توجه به «ملاحظات اخلاقی و ارزشی شکل دهنده رفتار و داوری های انسانی» را باعث غنا و دوام رفاه و رونق اقتصادی می داند. (آمارتیا/۱۳۷۷). با این حال بسیاری از مؤلفه های اقتصاد پویا و مقاوم و نیز تحقق توسعه پایدار اسلامی و ایرانی، در وهله نخست مبتنی بر تغییر الگوهای فرهنگی و اعتقادی و بر پایه آن، تغییر در رفتار اقتصادی آحاد جامعه و در گام بعد مبتنی بر تغییر در الگوهای مدیریتی و تکامل فضایل نفسانی در مدیران است. تحقق مؤلفه هایی چون قناعت در مصرف، کاهش حرص و آز و

مال اندوزی، همت و تلاش مضاعف و وجدان کاری، تقدیر معیشت و اصلاح الگوی مصرف، مدیریت خلاق و کارآفرین، استفاده بهینه از امکانات و منابع و پرهیز از اسراف و تبذیر و اتراف و ربا و ایجاد فضای مشارکت و تعاون و تکافل عام بر اساس عدالت در قالب‌هایی چون خمس، زکات، صدقه ... مبتنی بر شناخت نفس خویش، قوا و امیال آن و نحوی مدیریت قوای درونی است که هدف متعالی آن قرب الی الله است. به همین جهت آیات و روایات بسیاری بر این شناخت و این ساحت از مدیریت تاکید می‌ورزند (از جمله: سوره فجر - ۲۹، نجم - ۳۹، حشر، ۹، تکوین ۳-۱ و مریم - ۱۲، معارج، ۲۱-۱۹ و ... و نیز روایات باب کراهیه النوم و الفراغ و باب کراهیه الکسل از کتاب فروع کافی) چرا که عمل آدمی بروز و نمود اندیشه و باور اوست؛ بنابراین شناخت و اصلاح نفس، اولویت نخست در تحقق انسان شایسته برای اقتصاد مقاومتی است. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «آنهایی که دم از اقتصاد می‌زنند و زیر بنای همه چیز را اقتصاد می‌دانند، از باب اینکه / انسان را نمی‌دانند یعنی چه؟ خیال می‌کنند که انسان هم یک حیوانی است که کارش همان خورد و خوراک است... انسان زحمتش این نیست که تنها شکمش را سیر کند» (بی‌نام/۱۳۸۷/ص ۸)

نقد روش مطالعات اقتصادی

یکی از علل اصلی ناکارآمدی نسبی علوم انسانی وارداتی و ترجمه‌ای و از جمله علم اقتصاد، عدم توجه به تفرد و تشخیص نوعی وجود هر فرد «انسان» به عنوان موضوع و محور این علوم است. (البته این تفرد وجودی به معنای فرد گرایی لیبرالیستی که متضمن توجه و اهتمام صرف به منافع فردی است، نمی‌باشد کما اینکه اصولاً با اصالت جمع سوسیالیستی نیز ناسازگار است). این رویکرد ناشی از اندیشه ساینتیستی (علم زدگی) و تعمیم روش علوم تجربی (مبتنی بر استقراء و تعمیم نتایج آزمون به موارد مشابه) به علوم انسانی است؛ مثلاً در پزشکی با آزمودن دارویی بر تعداد معینی از بدن انسان‌ها و یا حتی حیوانات، نتایج آن به تمام انسان‌های دیگر تجویز و توصیه می‌گردد؛ نکته اینجاست که به جهت القای مکاتب ساینتیستی و آمپریستی و پوزیتویستی در سده‌های اخیر، که علم را در علوم تجربی منحصر می‌دانند، مغلطه تعمیم روش استقراء، به علوم انسانی رخ داده است به طوری که نتایج تحقیقات در علوم انسانی و از جمله اقتصاد را که در فلان کشور بدست آمده را برای همه انسان‌های روی کره خاکی تعمیم می‌دهند و مثلاً انگیزه آن انسان‌های مورد مطالعه را درباره نوع و مقدار مصرف و تولید و یا نوع

۱. شاید تأخر واژه عمل بر ایمان در ۴۹ آیه از قرآن کریم اشاره به همین نکته داشته باشد از جمله آیه بیست و نهم از سوره رعد «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ»؛ آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند خوشا بر احوالشان و چه خوش عاقبتند»

اوقات فراغت و اسباب لذت و الم و...، انگیزه و هدف همه انسان‌ها تلقی نموده‌اند. این تعمیم گاه همراه با ترویج و یا تهاجم فرهنگی بوده و انفعال جامعه نخبگانی در کشورهای جهان سوم و مورد استعمار، عموماً اجازه اندیشه انتقادی و دفاعی، به نظریات وارداتی در علوم انسانی را نداده است و حال آن که بر مبنای علم النفس اسلامی و صدرایی هر فرد انسانی را بایستی منفرداً مورد مطالعه قرار داد (ملاصدرا/۱۹۸۱/ج ۹، ص ۲۵۰ و ج ۸ ص ۲۴۵) و همه عوامل محیطی و اجتماعی و اقلیمی و حتی وراثتی را مورد مطالعه قرار داد و چون چنین پژوهشی بسیار دشوار است، لااقل انسان‌ها را در شرایط و اوصاف محدود تری مطالعه کرد و مثلاً انسان ایرانی مسلمان را موضوعی کاملاً متمایز از سایر انسان‌ها برای مطالعات علوم انسانی و از جمله علم اقتصاد، لحاظ نمود و حتی در مطالعات و تجویزها نقش قومیت‌ها و محیط‌های جغرافیایی و سن و شرایط مالی و طبقه اجتماعی و... را نیز مورد توجه قرار داد.

علم النفس اسلامی، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و قرآنی، انسان را دارای دو ساحت مادی (بدن) و مجرد (روح) دانسته که دارای وحدتی اتصالی اند؛ بُعد جسمانی در حرکت تکاملی جوهری، ابتدا به روح حیوانی و در مرحله بعد به روح انسانی، که نفخه و امانت عظیم الهی است، صیوریت می‌یابد. بدن در حال تغییر و زوال، دارای تشخیص و هویتی اعتباری است و روح دارای اصالت و صیوریت جوهری، و بر این اساس وحدت نوعی انسانی مبتنی بر تشابه ابدان، نیز اعتباری و غیر اصیل خواهد بود. به بیان دیگر هرچند در فهم رایج، بیش از هفت میلیارد موجوداتی در عالم هستند که همگی در انسانیت مشترکند و بر اساس همین فهم اعلامیه جهانی حقوق بشر برای همه ایشان به یکسان دیکته شده است، اما در آموزه‌های قرآنی و به تبع آن در حکمت اسلامی، به تعداد این هفت میلیارد، هفت میلیارد نوع متمایز و مشخص وجود دارد که هر یک را بایستی منفرداً مورد مطالعه قرار داد و همین امر وصول به یقین در علوم انسانی را قریب به محال کرده است. (ملاصدرا/۱۳۸۲/ص ۱۸۴-۱۸۵ و ملاصدرا/۱۹۸۱/ج ۱، ص ۴۴-۴۶ و ج ۷، ص ۱۸۴). البته انسان وقتی در اجتماع ظاهر می‌شود، در عین حفظ هویت و شخصیت فردی خود، هویتی جمعی از جامعه و محیط خود اخذ می‌کند و آن را جزء شخصیت فردی خود تلقی می‌نماید (هویت خانوادگی، قومی، ملی، مذهبی و...). به بیان فلسفی، هویت جمعی انسان از مقولات ثانیه فلسفی است که تحقق خارجی و واقعی ندارد اما منشاء انتزاع آن واقع و عالم واقع است. (نیویان/۱۳۷۹/ص ۲۷) و این همان معنای جمع اصالت فرد و اصالت جمع در انسان‌شناسی اسلامی است.

بنابراین مبنای انسان‌شناختی در اقتصاد مقاومتی، ملاحظه ویژگی‌ها و آمال و آرزو و توانایی و نقاط قوت و ضعف انسان مسلمان ایرانی و پرهیز از قبول نظریات وارداتی و غیر بومی است. تاکید امام خمینی بر خودباوری و استقلال را بایستی در همین نکته دانست (بی)

نام/۱۳۸۷/ص ۲۴۰).

نقش ایمان دینی در تحقق اقتصاد مقاومتی

عمل انسان چه ذهنی و چه عینی، مرتبه ای از هستی او و بازتاب باور او نسبت به خود و هستی است و داعی وی برای انجام عمل نیز، آن غایتی است که او از آن انتظار دارد. زیرا مرجح افعال ارادی، همان غایت ایجاد فعل است. اینکه در دهها آیه قرآن کریم، عمل صالح به عنوان فرع بر ایمان و یا اعمال سوء فرع بر شرک و کفر ذکر شده است، شاید اشاره به همین نکته داشته باشد. (از جمله سوره والعصر، اعراف/۴۵ و بقره/۲۵)

همچنین آگاهی از ماهیت «خیر» و «شر» عمل ما را جهت می بخشد. پس ارزش وجودی فعل از جمله کنش های اقتصادی، تابعی از آگاهی و اراده و مرتبه معنوی فاعل آن است. از آنجا که مرتبه وجودی انسان با توجه به سطح معرفت و آگاهی و انصاف به ارزش های عام انسانی و ملکات اخلاقی تعیین می شود، پس بینش ها، گرایش ها و عادات و ملکات انسانی بیشترین نقش را در ارزش و اعتبار فعل او خواهند داشت. از اینرو هر طرحی از نظام اقتصادی مطلوب، به مثابه فعلی ارادی، به مثابه شرط لازم و نه کافی وابسته به شناخت جایگاه وجودی فاعل انسانی آن و سطح شناخت و ارزش های مورد پذیرش وی خواهد بود.

بنابراین برای ترسیم یک نظام اقتصادی در وهله اول باید به درک ماهیت شناخت (معرفت) انسانی، هویت فاعل انسانی، مراتب وجودی انسان و قوای نفسانی او در هر مرتبه وجودی اش، ماهیت اراده انسانی و فرق آن با اراده و غریزه حیوانی و تفاوت لوازم و مطالبات غریزی با فطرت الهی انسانی، ارزش و ماهیت خیر، غایت و فلسفه خلقت، ماهیت سعادت و اسباب وصول به آن، اسباب ثبات و تجدد در وجود انسانی (هر چند به اجمال) دست یافت و بنابراین وجود انواع متفاوتی از نظام های اقتصادی حاصل اختلاف مبدعان آن در همین مبانی خواهد بود. مثلا شعار سقراتی «خودت را بشناس» دعوت به رویکردی خاص است که در آن مراتب شناخت از حقیقت هستی و هستی انسانی و مراتب وجودی خود و ادراک حضوری آن آغاز می گردد و دیگر معرفت ها از جمله نحوه تنظیم مناسبات اجتماعی بر پایه آن شکل می گیرد. در حالی که در شعار مارکسیستی «فلاسفه به تفسیر جهان پرداخته اند و اکنون وقت آن است که به تغییر آن بیاوریم» به معرفت های حصولی و حسی تجربی بهای بیشتری داده شده و توانمندی های انسان را در خدمت امری خارج از ذات او قرار می دهند. بر این اساس عمده ترین وجه تمایز فلسفه های اقتصادی از یکدیگر در منابع و سطوح شناخت و نوع منظر و افق شناختی است که فیلسوفان اقتصادی برای درک و فهم امور بر می گزینند. ملا صدرا این وابستگی علوم انسانی بر مبانی نظری و معرفتی راتحت عنوان وابستگی حکمت عملی بر حکمت نظری ابراز می دارد. (الاسفار، ج ۱، ص ۲۰)

اقتصاد ابزاری برای تکامل نفوس اجتماع بشری

امام خمینی هدف اقتصاد اسلامی را تأمین سعادت ابدی برای همه افراد جامعه دانسته که به دست خود «انسان» تحقق و عینیت یابد. ترسیم نقشه نظام اقتصادی اسلام «امری ذهنی» است که وابسته به شناخت انسان و جهان با ابزار عقل و وحی و تجربه است و محقق ساختن آن نیز «امری عینی» و مبتنی بر ارزیابی واقعیت‌های موجود اجتماعی و عینیت بخشی به نظام اعتقادی اسلام است و در این منظومه فکری، اقتصاد ابزاری است برای تربیت انسان الاهی و تحقق منویات اسلام (بی‌نام/۱۳۸۷/ص ۳-۵ و ۷) ارسطو و نیز ملا صدرا، علوم و حکمت را به نظری و عملی تقسیم کرده‌اند. آنچه در حوزه باورها و شناخت مبداء و معاد انسان و جهان و شناخت حقیقت انسان و قوای درونی او و اسباب سعادت اوست را از حکمت‌های نظری خوانده‌اند و تدبیر نفوس و منزل و جامعه را از مراتب حکمت عملی دانسته‌اند (ملا صدرا/۱۹۸۱/ج ۴، ص ۱۱۶) و بر این اساس مدیریت اقتصادی چه در حوزه نظری و برای تولید دانش توسعه و پیشرفت و چه در حوزه عملی و برای مدیریت اجرایی اقتصادی و چه بصورت خرد و چه بصورت کلان را بایستی از مصادیق حکمت عملی دانست و از آنجا که حکمت عملی حاصل حکمت نظری است و حکمت نظری غایت حکمت عملی است، وصول به اقتصاد اسلامی (مقاومتی) تا حدود زیادی وابسته به شناخت نفوس بشری و قابلیت‌ها و نیازهای درونی و واقعی و ابزارهای خود کنترلی انسانها می‌باشد. تفسیر وجودی صدرالمآلهین از واقعیت جهان و انسان، عناصر لازم و کافی برای تشریح مبانی قریب حکمت عملی و مبنایی‌ترین مباحث انسانی علوم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را فراهم ساخته است. (ملا صدرا/۱۳۸۲/ ص ۲۴۱).

بطور نمونه، تقریباً عموم مکاتب سیاسی و اقتصادی، وصول به «عدالت اجتماعی» را یا به عنوان اولویت غایی و اصلی و یا اولویت ثانوی و تبعی ذکر کرده‌اند. حال سؤال این است که «عدالت» چیست و مصداق آن کدام است و موطن تحقق آن کجاست؟ وقتی فیلسوفان مسلمان و از جمله ملا صدرا، جامعه را چیزی جز مجموعه آحاد بشری نمی‌دانند (بر خلاف اصحاب مکاتب اصالت جمعی مانند مارکسیست‌ها)، پس موطن عدالت اجتماعی، نفوس آحاد بشری است و نه امری کلی که تحقق‌ی و رای افراد انسان‌ها داشته باشد و بر این اساس ملا صدرا حقیقت «ملکه عدالت» در نفوس را، عدم انفعال نفس از مقتضیات قوای شهویه، غضبیه و وهمیه می‌داند تا تراحمی برای عقل نظری جهت تحصیل کمالاتش ایجاد نشود و از سوی دیگر این عدم انفعال، باعث نوعی تشخص استعلایی برای نفس در مقابل بدن و قوای آن ایجاد می‌کند تا آنها بر طبق مصلحت مورد نظر در جهت کنترل امیال در تولید و تقاضا و مصرف و خورد و خوراک و نوع پوشش و ... اقدام نماید و از طریق اعتدال در قوا در جهت وصول به سعادت متعالی در پرتو نفوس متعادل آحاد جامعه موفق شود. بنابراین عدالت دارای ارزشی تبعی و شرطی برای تکامل نفوس

است و با این دیدگاه وقتی عدالت اجتماعی محقق شده است که انسان‌های جامعه دارای نفوس حاکم بر امیال حیوانی باشند و بنابراین صرف رفاه مادی و یا تقسیم بالسویه امکانات، کافی برای تحقق عدالت اجتماعی نیست و بر این اساس محصولات عقل عملی و از جمله علم اقتصاد، در خدمت و ابزاری برای تحقق کمال عالی عقل نظری می باشد (ملاصدرا/۱۳۸۲/ص ۱۰) و براین مبنای، حکمت عملی و از جمله تدبیر خانواده (اقتصاد خرد) و تدبیر مدن (اقتصاد کلان) خادم و نیازمند حکمت نظری است و حکمت نظری از حیث موضوع، مسائل، غایات، نتایج، استحکام دلایل و استقلال بر همه علوم دیگر از جمله حکمت عملی تقدم دارد. (همان، ص ۲۰-۲۱) اما هر دو سنخ حکمت، برای استکمال نفسانی ضروری است.

تقدم بعد نفسانی بر بعد مادی، شرط مدیریت اقتصاد مقاومتی اسلامی

همان گونه که گفته آمد، هستی و تشخیص انسان به نفس اوست. همان نفسی که اتحاد اتصالی با بدن دارد و در بدو امر، بروز جسمانی (کمال اول) و در مرحله بعد و با حرکت در جوهر مجرد خویش، استکمال روحانی می یابد. «فالنفس الانسانیة فی اول الفطره نهاییه عالم الجسمانیات فی الکمال الحسی و بدایه عالم الروحانیات فی الکمال العقلی (ملاصدرا/۱۳۸۲/ص ۲۴۴). پس نفس انسانی محل وصال دو دریای جسمانیت و روحانیت است (ملاصدرا/۱۳۸۱/ج ۲، ص ۴۴۶) و انسان، سالک راهی میان دو جهان مادی و روحانی است. او از جهت روح (نفس)، بسیط و بی تعلق به ماده و از لحاظ تن، مرکب و دارای کثرت اجزاء است. نفس در مرتبه حدوث، صورت جسمانی و تعلقات و احتیاجات مادی دارد اما وقتی از انسان بالقوه بودن به سمت فعلیت حرکت کرد، همین صورت (بر حسب ملکاتی که هر فرد در خود محقق می سازد) به انواع گوناگونی از جنس فرشتگان و شیاطین و حیوانات و درندگان و چهارپایان بدل می گردد و این امر بر اساس نشئه دوم (مرتبه خیالی و وهمی نفس) یا نشئه سوم (مرتبه عقلی) صورت می پذیرد. (همان، ص ۲۶۶) پس انسان اگر چه در ابتدا نوع واحدی است اما با ورود به مرتبه تفکر و فراگیری علوم و فنون موجود در اجتماع و اتصاف به خلقیات، ملکات و صفات، با بینش‌ها و گرایش‌های خود وحدت یافته و در حقیقت به انسان یا به نوع دیگری از انواع مخلوقات الهی بدل خواهد شد. (ملاصدرا/۱۳۸۱/ج ۲، ص ۴۴۶) و بر این اساس می توان گفت که بر طبق علم النفس صدرايي و امام خميني مساله تربيت روح و نفس آدمي توسط عقل و وحی، سازنده انسان در تراز جامعه مطلوب و تحقق اقتصاد مقاومتی است (امام-خمینی^(ه)/۱۳۷۸/ج ۶، ص ۱۶۷) بر این اساس تحقق علوم انسانی و از جمله مدیریت منابع مادی و انسانی در اقتصاد مقاومتی اسلامی، برای ایجاد تعادل در قوای حیوانی و مادی و خیالی و برای انسان ماندن است و بر این اساس مدیران اقتصادی بایستی با نگاهی عمیق و فرا مادی چه در مدیریت قوای درونی خود و چه در تخصیص منابع و ترجیح منافع، پیشرفت مادی را ابزاری

برای پیشرفت معنوی قرار دهد. اینکه امام سجاد (ع) تلویحا رفع رذایل اخلاقی از جمله حرص و غضب و حسد و بی طاقتی و زیاده خواهی و شهوت رانی و ... را مقدم بر تحقق مدیریت الهی و معیشت صحیح می دانند، شاید مؤید همین نکته باشد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْجُرْصِ، وَ سُورَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلْبَةِ الْحَسَدِ، وَ صَعْفِ الصَّبْرِ، وَ قَلْبَةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شَكَاسَةِ الْخُلُقِ، وَ إِحْسَاحِ الشَّهْوَةِ، وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَ سِنَةِ الْعُقْلَةِ، وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ، وَ إِثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ، وَ الْإِضْرَارِ عَلَى الْمَأْتَمِ، وَ اسْتِضْعَارِ الْمُعْصِيَةِ، وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ وَ مُبَاهَاةِ الْمُكْتَبِرِينَ، وَ الْإِزْرَاءِ بِالْمُقْلِينَ، وَ سُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَ مِنْ فِقْدَانِ الْكِفَافِ وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَ مِنْ مَعِيَشَةٍ فِي شِدَّةٍ» (صحیفه سجادیه/ نیایش هشتم) بار خدایا، همانا من پناه می آورم به سویت از جولان حرص و طمع و شعله ور شدن غضب و تفوق حسادت و ناتوانی در صبر و کمی قناعت و بدی اخلاق و افراط در شهوت و پیروی از هوس و مخالفت با مسیر هدایت و خواب غفلت و سختی در امور و تقدیم باطل و پافشاری بر گناهان و کوچک شماری معصیت و بزرگ شمردن طاعت و فخر فروشی توانگران و تحقیر تهی دستان و کوتاهی در حق زبردستان و ناسپاسی از نیکوکاران ... از اسراف کاری و و کمبود رزق و روزی و از سرزنش و تحقیر دشمنان و احتیاج و نیاز به دیگران و از زندگی در سختی و فشار.

اقتصاد مقاومتی جامع دنیا و آخرت به خلاف اقتصاد سکولار

انسان اقتصادی ماتریالیستی، موجودی است منحصر در ساحت بدن که خودخواه، عاقل (دارای عقل معاش) و طالب فایده بیشتر است (لیتل/ ۱۳۷۳/ ص ۲۳۸) ولی از نظر ملاصدرا بین نفس و بدن در ظرف عینیت، هیچگونه دوگانگی و ثنوتی وجود ندارد. این دو در تحقق خارجی خود قابل تفکیک نیستند اگر چه در تحلیلی عقلی و انتزاعی، نوعی دوگانگی قابل فهم است؛ از این منظر نفس، فصل حقیقی و صورت نوعیه بدن است و بدن، به منزله جنس آن است؛ فصل همواره محصل و مقوم جنس است، و حقیقت هر نوع نیز به فصل آن است. ترکیب جنس و فصل نیز ترکیبی اتحادی است و آن دو به وجود واحدی موجودند یعنی اینگونه نیست که نفس (حقیقت نوعی انسان) همانند هلیات مرکبه^۱ به جسم اضافه شده باشد یا آنکه برای حمل بر چیزی نیازمند به وجود آن باشد^۲. نفس تنها به اعتبار آنکه فصل مقوم جسم است کمال اول آن

۱. هلیات مرکبه پرسش از حمل چیزی بر چیز دیگر است. در مقابل هلیه بسیطه سوال از وجود شیء است. ملاصدرا نفس را از یکسو هم ثبوت النوع یا حقیقت نوعیه می داند و از چپتی دیگر فصل مقوم جسم.
 ۲. زیرا مفاد هلیات مرکبه «قاعده ثبوت شیء لشیء فرع ثبوت المثبت له» است و در هلیات بسیطه سخن از تحقق یک شیء است و نه صفات و عوارض آن.

است اما بدون چنین اعتبار و لحاظی و در فرض جدایی آن از بدن، دیگر نفس نیست بلکه جوهری عقلانی است و این نکته اثبات کننده هم خادمیت همه علوم انسانی و از جمله اقتصاد برای تعالی نفس است و هم اثبات کننده این نکته که در مرحله ای متعالی تر، تعالی مادی و اقتصادی محصول تعالی نفوس بشری است.

براین اساس در فلسفه اقتصادی متعالیه، انسان در معنای جامع آن در دو ساحت مادی و معنوی مورد توجه قرار می گیرد و با تأمل در حقیقت انسان، بعد نفسانی وی برتر از بعد مادی معرفی می گردد. بر این اساس ساحت مادی آدمی که موضوع علم اقتصاد است، «ابزار» حرکت تعالی بخش انسان جهت وصول به غایات متعالی نظری و عملی بوده و بدن، نقش «خادم» نفس و قوای آن را ایفاء می نماید. در نتیجه فیلسوف اقتصاد مقاومتی اسلامی بیشترین توجه خود را به عنصر شناخت و آگاهی و نیز غایات انسانی معطوف ساخته و سعادت حقیقی انسان را نه در «مصرف بیشتر» یا «تصاحب اموال» یا «ازدیاد رفاه و ثروت» بلکه در کسب فضایل نیک فکری، اخلاقی و عملی می یابد. جامعه ای که بر مبنای چنین رویکردی تأسیس می شود مدینه فاضله اسلامی است. امام خمینی در این باره می فرماید: «انسان زحمتش این نیست که تنها شکمش را سیر کند... انسان تا آخر هست (ابدی است) و برنامه اسلام این است که این انسان را جوری تربیت کند که هم اینجا (دنیا) صحیح باشد و هو آنجا (آخرت) انسان یک سرش این جاست و یک سرش لا نهایت» (بی نام/۱۳۸۷/ص ۸)

مبانی انسان شناختی توسعه بر اساس علم النفس صدرایی

اغلب فیلسوفان اقتصادی غرب معاصر، مباحث انسان شناختی خود را بر اساس مبانی ماتریالیستی و بر تحلیل مکانیکی از انسان و ابعاد حیات مادی و اجتماعی او و غرایز و امیال لذت محور مادی او بنا نهاده اند. بر این اساس انسان صرفاً به عنوان موجودی مادی، رهای از خالق، طالب حق و نه تکلیف، گریزان از مسئولیت، مگر در حد ضرورت و برای رفاه و امنیت خود، محصول سنت، تاریخ، زبان، طبقه، ماشین و... شناخته می شود؛ حرص و حسد و کبر همچنان که مبنای تعاملات حیوانی است، مبنای رفتارهای انسان اقتصادی ماده گرا نیز می باشد. در این نگرش، انسان بر محور یک یا چند خصوصیت از خصوصیات غریزی مشترک و یا متمایز در انسان ها موضوع مطالعه قرار می گیرد؛ مطالعه در خصوصیات محدود در حیات فردی و اجتماعی انسان از جمله شرارت، شهوت، همیاری، نعدوستی، خشونت، خردورزی، گزینش گری، و... و حال آنکه در مطالعه انسان الهی و مجاهد برای تحقق اقتصاد مقاومتی، بعد خودآگاهی و خدا آگاهی و خداجویی و تعالی طلبی او مطرح نظر قرار گرفته، بر این اساس، حرص و حسد و کبر، به تلاش و جهاد، غبطه و امید، غزت و غرور دینی و ملی تغییر می یابد و شاخص های «فراغت» به «جهاد» و «رفاه» به «عدالت و خدمت» و «کاهش یا افزایش مصرف» به اصلاح و تعدیل

معقول و مشروع الگوی مصرف» تبدیل می شود. چنین مؤلفه هایی را می توان در جای جای سخنان و توصیه های امام خمینی پیدا کرد (از جمله رک: بی نام/ ۱۳۸۷ ص ۱۹۷، ۲۲۱، ۲۱۷ و ۱۷۹ و...)

از نظر ملاصدرا نیز شناخت نفس، نقطه آغازین توسعه پایدار و حقیقی در حیات انسانی است. شناخت نفس ملازم با شناخت حقیقت زندگی، انسان، مبدا و منتهای هستی او و درک مسیر حرکت او جهت نیل به غایت حیات که همان قرب الی الله است. با تأمل در نفس می توان به معرفتی حضوری و عاری از هرگونه شک و تردید به منبع ذاتی حرکت و تحول نفس دست یافت و از طرفی از طریق تأمل در اصل وجود نیز می توان به دو منبع درونی و برونی تحول اشیاء راه یافت. بر این اساس، شناخت انسان بر حسب عوامل خارجی همچون تاریخ، سنت، طبقه، فرهنگ، زبان، گفتمان و...؛ و همچنین شناخت های تک بعدی از انسان، معرفتی دقیق نخواهد بود زیرا اینگونه شناخت ها، «انسان» را به ساحت یا حوزه ای خاص تقلیل می بخشند. شیوه صحیح شناخت آن است که ابتدا با رویکردی عقلی شهودی، حقیقت وجودی و حیثیت جامع نفس انسانی و مراتب آن، مورد تحقیق قرار گیرد و سپس به اقتضای نتایج حاصل از تحقیق، ساحت های مختلف حیات فردی و اجتماعی انسان و اسباب درونی تحول و پیشرفت وی ترسیم گردد. بنابراین نقطه آغاز تحول و توسعه، تحول و سعه نفس از راه معرفت خود و قدرت عظیم نهفته در خود به روش عقلی و شهودی است (قال الامام علی (ع): اترجم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر.....) تنها از این طریق است که می توان امیال، اراده، قدرت، احساسات، عواطف و خرد انسانی را از افقی متعالی و برتر مورد تأمل قرار داد و با مرور سیر صعودی و نزولی نفس، برنامه توسعه و تعالی جامعه را از آن اخذ نمود. (قراملکی / ۱۳۸۸ ص ۱۸۱) بر این اساس بعد مجرد انسان یعنی نفس هم قوام بخش بعد مادی یعنی بعد نباتی و حیوانی آن است و هم مستعد انواع شناخت، گرایش، باور، ایمان و دیگر عناصری که حیات آدمی بر اساس آن، معنا، مبنا و جهت می یابد. (ملاصدرا/ ۱۳۸۲/ ج ۱، ۱۳۸۲ ص ۸). بنابراین انسان موجودی مختار و فاعلی ارادی بوده (و نه موجودی مجبور به جبر تاریخ و سنت و ... و قادر به دخل و تصرف در جهان طبیعت می باشد) می تواند بر اساس قدرت اراده، برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مناسب را خلق نموده و خود مدیریت حیات خویش را بر عهده گیرد (بعد فاعلی)؛ انسان از ناحیه قابلی و تأثیر پذیری نیز بهره مند است و نتایج حاصل از قوه قابلی او به هیچ وجه ارزشی کمتر از آنچه وی از جنبه فاعلی به دست می آورد، ندارد.

حیثیت بالقوه و مادی نفس، مستلزم امکان تعالی نفوس بوده و برنامه ریزی و تدبیر جامع و کامل برای آن ضروری و غیر قابل اغماض است. بنابراین باید بعد مادی نفس و نیازهای آن نیز مورد توجه مدیران اقتصادی قرار گیرد. ملا صدرا معتقد است «بناچار باید برای انسانها

قانونگذاری باشد تا برای انتظام معیشت دنیوی شان، روشی را تنظیم نماید که بر اساس آن رفتار کنند» (ملاصدرا/۱۳۸۱/ص ۸۱۶)

نتیجه گیری

به طور کلی در اندیشه امام خمینی(ره) مبتنی بر مدل انسان شناختی صدرایی، نقطه آغاز برای تحقق و ثمربخشی مؤلفه های اقتصاد مقاومتی، تهذیب و تربیت نفس فردی است و هرچه حوزه تاثیرگذاری و مسؤولیت فرد گسترده تر باشد ضرورت آن بیشتر است؛ چرا که عموم آن مؤلفه ها از جنس تغییر در رفتار مدیران، تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان است. با تعمیم و تحکیم این حوزه از تربیت، زمینه برای تحقق تربیت اجتماعی فراهم آمده و در صورت جامعه پذیری اجتماعی زمینه برای تحقق مؤلفه های اقتصاد مقاومتی اسلامی فراهم می آید. از نگاه ایشان، انسان بایسته برای اقتصاد مقاومتی، چونان مسافری است که باید از ظلمات جسمانی به سوی انوار لاهوتی روانه شود و جسم و جان و معیشت او ابزار تکامل معنوی او قرار گیرد. انسان تا به مدیریت و تعدیل قوای نفسانی به کمک قوه عاقله خویش نایل نیاید نمی تواند به هنرتدبیر منزل (Economy) دست یابد و تحقق مدینه فاضله که بُعد اقتصادی آن، در تحقق مؤلفه های پیش گفته اقتصاد مقاومتی است، حاصل این تهذیب و تدبیر است. شرط تمکین فرد و سپس ملت (که حاصل تجمیع افراد است) و در آرمانی والاتر، امت اسلام به معیشتی پاک، خودکنترلی با بهره جستن از توشه خرد علوی است و همانگونه که تبیین گردید، بهبود معیشت و زندگی او توسط عقل عملی، از جهتی ابزاری است برای این تعالی روحی و از جهتی خود محصول این تعالی معنوی است. هر که تمکن مالی و یا حوزه مدیریتی بیشتر است به این تهذیب و کنترل نفس و عمل به مقتضیات اقتصاد مقاومتی (= اقتصاد اسلامی جهادی) محتاج تر است. و نفوس مهذب و خودکنترل، می تواند نوع و شیوه و مقدار تولید و توزیع و مصرف در اقتصاد خرد و نیز مؤلفه های اقتصاد کلان را - مستقیم و یا غیر مستقیم - تعریف و محتوا و هدف گذاری نماید.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. امام سجاد(ع)، «صحیفه سجادیه»، چاپ الهادی، ۱۳۷۶
۳. آمارتیا، سن؛ «اخلاق و اقتصاد» ترجمه حسن فشارکی، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۷۷
۴. ابن سینا، «ترجمه اشارات»، مترجم نامعلوم، به اهتمام سید محمد مشکوه، بی جا، تهران، ۱۳۱۶
۵. بی نام، «اقتصاد در اندیشه امام خمینی»، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷
۶. پیرو و مینی، «فلسفه و اقتصاد: مبادی و سیر تحول نظریه اقتصادی»، ترجمه مرتضی نصرت، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۵
۷. کفشگر جلودار، حسین، مقاله «آلفرد مارشال»، سایت پژوهه پژوهشکده باقر العلوم (بانک مقالات علوم انسانی اسلامی)
۸. دانیل، لیتل، «تبیین در علوم اجتماعی» ترجمه عبدالکریم سروش «مؤسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۷۳
۹. داو، شیلا سی، «کنکاشی در روش شناسی اقتصاد» مترجمان محمود متوسلی و علی رستمیان، نشر جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۹
۱۰. روح الله، (امام) خمینی، «جنود عقل و جهل» مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷
۱۱. روح الله، (امام) خمینی، «صحیفه نور»، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۸
۱۲. روح الله، (امام) خمینی، کشف الاسرار،
۱۳. روح الله، (امام) خمینی، «کشف الاسرار»، بی جا، بی نا، بی تا
۱۴. روح الله، (امام) خمینی، «تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس»، نشر پاسدار اسلام، قم، ۱۳۶۹
۱۵. روح الله، (امام) خمینی، «موضوعات و رهنمود های اقتصادی در بیانات حضرت امام خمینی»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (در چهار جلد)، چاپ دوم ۱۳۷۱
۱۶. سید حسین، میرمعزی، «ساختار کلان نظام اقتصادی اسلام»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱
۱۷. سید عباس، نبویان، «کلیات نظام اقتصادی اسلام»، نشر دار الثقلین، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹
۱۸. سید محمد، شفیعی مازندرانی؛ «پرتوی از مبانی تربیتی - عرفانی حضرت امام خمینی»، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۶
۱۹. صدر الدین محمد، شیرازی، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲
۲۰. صدر الدین محمد، شیرازی، «شرح اصول کافی»، مؤسسه مطالعات و تحقیقات

فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳

۲۱. صدر الدین محمد، شیرازی، «الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه»، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱
۲۲. طهماسب محتشم دولتشاهی، «مبانی علم اقتصاد: اقتصاد خرد - اقتصاد کلان» انتشارات خجسته، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۸
۲۳. عبد علی بن جمعه، العروسی الحویزی، «تفسیر نور الثقلین»، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵
۲۴. علی اصغر، هادوی نیا، «انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۲
۲۵. علی اصغر، هادوی نیا، «معنویت و اقتصاد»: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱
۲۶. علی اکبر، ضیایی، «نهضت فلسفی امام خمینی»، نشر عروج، تهران، ۱۳۸۱
۲۷. علیرضا، مهدیجانی، «سیمای اقتصاد در قرآن» دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۰
۲۸. قطب الدین شیرازی، «شرح حکمت الاشراق شهاب الدین سهروردی به انضمام تعلیقات صدر المتألهین»، نشر حکمت، تهران، ۱۳۱۴
۲۹. لایونل، رایبیز، تاریخ اندیشه اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد(ارمکی)، نشر نی، تهران ۱۳۸۴
۳۰. مجموعه مقالات، «بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی» ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی، نشر عروج، ۱۳۸۰
۳۱. محمد بن حسن، حر عاملی، «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۲ق
۳۲. محمد جواد، نوراحمدی، «اقتصاد دینی از منظر اندیشمندان مسلمان و مسیحی»، دانشگاه امام صادق، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹
۳۳. محمد حسین کرمی و عسکر دیرباز، «مباحثی در فلسفه اقتصاد»: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۴
۳۴. محمد علی گرامی، محمد علی تسخیری و .. «مجموعه میز گرد های تخصصی فلسفه اقتصاد اسلامی»، تدوین: حسین عیوضلو، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران، ۱۳۷۸
۳۵. منوچهر زندی حقیقی، «اقتصاد: فنون جدید تجزیه و تحلیل اقتصادی»، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹
۳۶. سید مرتضی حسینی زبیدی واسطی، «تاج العروس من جواهر القاموس»، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق یا ۱۹۹۴ م
۳۷. احمد فرامرز قراملکی «روش شناسی»، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸